

عنوان مقاله: گویش لری و قرابت آن با سایر گویشها

سعیده نیازی^{۲۶}

افسانه حسین زاده^{۲۷}

چکیده:

گویش های متداول ایران، دارای سرچشمه یگانه ای هستند و بیان این گویشها مارا به سوی چهره اصیل و تاریخی آنها هدایت میکند، که می تواند رمز و رازها و گره های واژگانی و دستوری زبان فارسی را بگشاید. در میان گویشهای گوناگون و فراوانی که در پهنه ایران پراکنده اند، گویش لری از جایگاهی ویژه برخوردار است، زیرا این گویش از درازای تاریخ کمتر دچار دگرگونی شده است و بیش از دیگر گویشهای بومی ایران، ساختار کهن خویش را پاس داشته است. گویشهای لرستان به دو گویش لری و لکی تقسیم می شوند. گویش ساکنان بخش های شمالی و شمال غربی لک و بقیه لری می باشد. توضیح اینکه در این دو لهجه بین ایل های مختلف ویژگیهایی از لحاظ تلفظ وجود دارد. این گویشها، دارای ضوابط دستوری ویژه ای هستند و از واژه های بسیاری برخوردارند که اغلب هنگام برگرداندن کلمات آنها به فارسی، چون قالب کلمه و یا مشابه آنها در فارسی نیست، ناچار بایستی آن واژه ها را توجیه کرد. گویش لری به دلیل همجوار بودن استان لرستان با مناطقی از خوزستان به ویژه دزفول و اندیمشک،

^{۲۶} کارشناس ارشد زبان و ادبیت فارسی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خرم آباد EMAIL : mailbox.niazi@yahoo.com

^{۲۷} کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خرم آباد

دارای واژه های مشترک فراوانی هستند چنانچه یک فرد لر به راحتی می تواند با یک فرد دزفولی ارتباط گفتاری برقرار کند بدون آنکه مشکل چندانی بین آنها وجود داشته باشد . واژه هایی در گویش لری مشاهده می شود که ریشه در زبان اوستایی و پهلوی دارد و این مطلب موید این است که لری گویشی است اصیل و دارای ویژگی و تاریخچه ای غنی و ریشه در چندین هزار سال تمدن این خطه دارد . گویش لری اکنون در منطقه وسیعی از ایران رایج است و میلیونها نفر به آن تکلم می کنند اصولا این گویش را میتوان به شعبه ی باختری و خاوری تقسیم کرد مرز این دو همان رودخانه دز است که لرستان و بختیاری را جدا می کند در این مقاله به دنبال آنیم که ضمن بررسی محدوده گویش لری (باختری و خاوری) و لکی و نیز قرابت و نزدیکی آن با سایر گویشها ، دلیل محفوظ ماندن این گویش را نیز بررسی قرار دهیم و نیز بافت آن پردازیم که برای مشخص تر شدن این موضوع ، دخل و تصرف انجام شده در واژگان لری را دو نوع (تصرف گویشی) و (تصرف معنایی) بررسی کنیم .

واژگان کلیدی : گویش لری ، واژه ، تصرف گویشی ، تصرف معنایی ، محدوده گویش ، بافت گویش ، زبان

پهلوی ، زبان اوستایی

گویش لری :

گویش به شکل هایی از یک زبان گفته می شود که علاوه بر تلفظ در انتخاب کلمات و قواعد دستوری نیز با هم فرق داشته باشند. گویشهای لرستان به دو گویش لری و لکی تقسیم می شوند. گویش ساکنان بخش های شمالی و شمال غربی لک و بقیه لری می باشد. توضیح اینکه در این دو لهجه بین ایل های مختلف ویژگیهایی از لحاظ تلفظ وجود دارد. این گویشها، دارای ضوابط دستوری ویژه ای هستند و از واژه های بسیاری برخوردارند که اغلب هنگام برگرداندن کلمات آنها به فارسی، چون قالب کلمه و یا مشابه آنها در فارسی نیست، ناچار بایستی آن واژه ها را توجیه کرد. دیگر اینکه در این دو گویش قاعده ابدال جاری است و بیشتر کلماتی که به آنها وارد می شوند ابتدا یکی از حروف و یا تلفظ آنها دگرگون می شود سپس مورد استفاده قرار می گیرد. که این خود نوعی استقلال برای این دو گویش است با توجه به اینکه بررسی های تطبیقی و همه جانبه ای از زبانهای ایرانی و ارتباط آنها با هم و زبانهای باستانی به عمل نیامده است و از سوی دیگر فاقد خط و آثار نوشتاری از گذشته هستند پیشینه این زبانها به درستی مشخص نیست. باید اشاره داشت که گویش متداول اقوام باستانی ساکن در کوههای زاگرس که شامل لرها می باشد، زبان عیلامی ، کاسپی بوده است که بعدها پارسها و مادها جای آن را گرفته اند و زبان آنها به پارسی تبدیل شده است. بنابراین گویش لری و پارسی هر دو ریشه در زبانهای کهن عیلامی، کاسپی یا باستانی دارند.

همانطور که گفته شد بر اساس مطالعات زبان شناسی، گویشهای لری و لکی جزو زبانهای هندو اروپایی به شمار

می آیند. شباهتهای فراوان زبان فارسی و گویش لری از یک سو و همانندی برخی از واژه های کردی و لری از سوی دیگر باعث شده است که بعضی از محققین داخلی و خارجی از لری به عنوان لهجه ای از فارسی یا کردی نام ببرند. نکته قابل توجه اینکه با از بین رفتن بخش عظیمی از متون پهلوی از فروپاشی دولت ساسانی و تحولات سیاسی - اجتماعی عمیق ناشی از آن و بعدها نابودی آثار فرهنگی بر اثر یورش های مهاجمان ترک و مغول باعث شده است که به علت نبودن اسناد و مدارک کافی قسمت مهمی از تاریخ گذشته این سرزمین همچنان ناشناخته بماند به نحوی که امروز اطلاعات تاریخی و زبان شناسی در مورد اقوام لر، کرد، بلوچ، گیلکی و بسیار اندک است حتی در مورد پیشینه زبان فارسی که قرنهای زبان رسمی ایرانیان بوده ابهاماتی وجود دارد. در تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری آمده است:

چند نفر از مورخان اسلامی از سه زبان فارسی، دری و پهلوی یاد کرده اند و جمعی از پژوهشگران معاصر به دلایلی وجود سه زبان نامبرده را به طور همزمان رد می کنند و واژه دری را صفت زبان فارسی دانسته اند و فارسی را تحول یافته زبان پهلوی جنوبی می دانند. (ناتل خانلری، ۱۳۷۴) در مقابل این نظر، نظر دیگری در مقدمه برهان قاطع آمده است:

فارسی زبانی است که قبل از اسلام همزمان با پهلوی وجود داشته است و تحول زبان فارسی از پهلوی رد شده است. (تبریزی، ۱۳۶۲) در بین گویش های ایرانی ذخیره واژگان مشترک فارسی و لری

از همه بیشتر است، به همین علت عده ای لری را گویشی از فارسی می پندارند در حالیکه هر یک از گویشهای لری، ویژگیهای صوتی، معنایی، صرفی و واژگانی خاص خود را دارد که اگر اختلافهای گویش لری با فارسی را در نظر بگیریم می بینیم انشعاب در گویش لری از هزار سال پیش فراتر است. اگر پیوستگی تاریخی و نژادی در نظر گرفته شود باید گفت سرزمینهای لرنشین امروزی در دوران باستان محل سکونت اقوام پارسی بوده است در نتیجه گویش لری از همان زمان همراه با زبان پارسی وجود داشته یا با اختلاف واژگان کمی از آن جدا شده است.

محدوده گویش لری

لری گویشی است که برگرفته از گونه ی جدید زبان پهلوی ساسانی است . گویش لری اکنون در منطقه وسیعی از ایران رایج است و میلیونها نفر به آنها تکلم می کنند. اصولا این گویش را می توان به دو شعبه باختری و خاوری تقسیم کرد که مرز بین این دو همان رودخانه دز است که لرستان و بختیاری را از هم جدا می کند.

محدوده لری باختری از این قرار است :

منطقه نهاوند، بروجرد، قسمتی از ملایر و تویسرکان، لرستان (شهرستان خرم آباد ، سیلاخور، الیگودرز، طوایف بالاگریوه، طایفه سگوند، برخی از طوایف طرهان و رومشکان). دورود، اشترینان، زاغه، ازنا، چگنی و ... برخی از نواحی استان ایلام (دهلران، دشت عباس، سردشت و سیمره)، خوزستان شمالی (اندیمشک و نواحی آن) فزون بر این ، چگنی های منجیل و نواحی قزوین و هداوند های مقیم خاور ورامین نیز به این گویش گفتگو می کنند.

محدوده خاوری از این قرار است:

استانهای بختیاری، بویراحمد، کهگیلویه، فارس (شهرمیان، ممسنی، کهمره نودان، بخشی از دهات بیضا، رامگرد، رامگرد، طشک، لشنی ها) استان بوشهر (دهستان حیات داوودی، میراوی، دشتستان، دهستان انگالی، دهستان شبانکاره) استان خوزستان (شهرستان ایذه، بهبهان، قسمتی از شهرستان دزفول، قسمتی از شهرستان رامهرمز، قسمتی از شهرستان شوشتر و مسجدسلیمان) استان اصفهان (فریدن، نواحی بین بویین و الیگودرز).

دلیل محفوظ ماندن گویش لری:

لرستان سرزمینی کوهستانی است که رشته کوههای موازی آن دارای جهتی از شمال غربی به جنوب غربی می باشند و این محدود بودن و محصور بودن در کوهها باعث شده که عناصر خارجی کمتر در گویش لری نفوذ پیدا کنند. لرها از نظر جسمی و فرهنگی با اقوامی چون عیلامیها، کاسیها، اعراب و ترکان آمیخته اند اما با این حال توانستند اصالت خود و بسیاری از آداب و سنن باستانی را نگه دارند و از آمیزش گویش لری با گویشهای ترک و عرب یا مغول جلوگیری نمایند و نیز به رغم تمام تهاجمات دشمنان توانستند هویت فرهنگی و تمامیت ارضی خود را حفظ و مهاجمان را در درون خود جذب کنند.

. محدوده گویش لکی:

طبق نظر گرنات ویندفوز لکی از گویشهای کردی جنوبی است که ارتباط نزدیکی با گویش لری دارد و در بین بعضی از طوایف لرستان چون دلفان، سلسله، بیرانوند و برخی از طوایف طرهان رایج

است. علاوه بر این گسترش این گویش در خارج از مرزهای لرستان در مناطق وسیعی از استان کرمانشاه مانند هرسین، دهستانهای عثمانوند و جلالوند و برخی دیگر از طوایف که هم اکنون محدوده آنها در بخش مرکزی این استان واقع شده است رایج است.

به طور کلی محدوده گویش لکی از تلمبه خانه شرکت نفت رازان واقع در شمال شرقی خرم آباد شروع و از آنجا به صورت نیم دایره ای به جانب غرب ادامه یافته است. و منطقه هرو (*hwro*)، الشتر، خاوه (دلفان) را در برگرفته است و سپس مناطقی را از کرمانشاه چون هرسین، قسمت جنوبی دهستانهای دورود، خرامان و نیز دهستانهای عثمانوند و جلالوند را فرا می گیرد. به طور کلی در سالهای اخیر کسانی که به لری و لکی گویش می کنند در فهم سخن یکدیگر دشواری ندارند مهم است که بدانیم در اکثر حالات هر یک خود دیگری را لر می دانند. این گویش در مناطق وسیعی از استان ایلام نیز رایج است. بیشتر اهالی منطقه سیمره به گویش لکی صحبت می کنند هر چند لری بالاگریوه در این منطقه رواج بیشتری دارد. به طور کلی اغلب اهالی پشت کوه (ایلامی) با گویشی از نوع لکی گفت و گو می کنند که این موضوع از بحث ما خارج است. و ما در این مجموعه واژه های مربوط به مرکز استان لرستان (لری خرم آبادی) و یا مناطقی که به این گویش گفت و گو می کنند را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

اختلاف برخی از واژه های لری و لکی:

در گویش لکی حرف «غ» وجود ندارد و به جای آن از حرف «خ» استفاده می شود و نیز در

برخی موارد به جای حرف «ق» از حرف «خ» استفاده می شود:

باغ - باخ غم - خم غیرت - خیرت عرق - عرخ

در برخی نقاط دیگر برای برخی واژه ها به جای حرف «ق» حرف «ک» به کار برده می شود:

چاقو - چکو قسم - کسم

حرف «ب» در گویش لری گاهی در گویش لکی به «واو» تبدیل می شود:

بهار - وهار برف - ورف بلگ - ولگ بارو - وارو

واو در این واژه لکی صورت کهتر و نزدیکتر به زبان پهلوی دارد

حرف «ز» در گویش لکی گاهی به «ژ» تبدیل می شود:

زن - ژن

حرف «ج» نیز در گویش لکی گاهی به «گ» تبدیل می شود:

جان - گان

در میان گویشهای لری پایی و دریکوند و ساکنان باختر و ایلام کنونی نیز اختلافات آوایی و گاه

معنایی وجود دارد. واژه ها و کلماتی از این دو گروه هستند که شکل املائی آنها یکی ولی معنایشان

متفاوت است. در ضمائر اشاره و برخی از ادوات تلفظ های آوایی هم تفاوتی وجود دارد که

پرداختن به آنها در حیطه ی کار ما نیست.

گویش لری و قرابت آن با دیگر گویشها:

استان لرستان از سوی شمال به شهرستان اراک از استان مرکزی و شهرستانهای ملایر، نهاوند،

تویسرکان از استان همدان، از سوی جنوب به شهرهای دزفول و اندیمشک از استان خوزستان و از

ناحیه شرق به شهرهای فریدن، فریدون شهر، خمین، گلپایگان از استان اصفهان و از جانب غرب به شهرهای هرسین از استان کرمانشاه و استان ایلام (پشتکوه) محدود است. با توجه به موقعیت جغرافیایی این استان، گویش مردم آن بی تردید متأثر از گویش مردم استانها یا شهرستانهای همجوار می باشد و عکس آن نیز صادق است. لذا شمار زیادی از واژه ها و اصطلاحات لری و دزفولی یا لری و بختیاری و یا لری و کردی مشترک هستند.

حتی روستاهای شمال و شمال شرقی دزفول به گویش لری یا بختیاری گفت و گو می - کنند. در گذشته افرادی از استانهای نزدیک مثل خوزستان (در دوران جنگ تحمیلی) یا ایلام و ... به لرستان آمده و در این استان ساکن شده اند و امروزه لهجه ی آبا و اجدادی خود را فراموش کرده و کاملاً به لهجه لری صحبت می کنند .

گویش لری به دلیل همجواری بودن استان لرستان با مناطقی از خوزستان به ویژه دزفول و اندیمشک ، از گویش آنها تاثیر و تاثیرپذیرفته است و واژه های مشترک و فراوانی با آن گویش ها دارد چنانچه یک فرد لر به راحتی می تواند با یک فرد دزفولی ارتباط گفتاری برقرار می کند بدون اینکه مشکل چندانی بین آنها به وجود آید.

بافت گویش لری :

گویش لری مانند سایر گویش های محلی ایران از بافت های زبانی مختلفی تشکیل شده است

که می توان آنها را به سه دسته تقسیم کرد

الف : واژه های خاص گویش لری .

ب: واژه های مشترک بین این گویش و گویش معیار و رایج در انگلیسی و عربی و....

ج: واژه های فارسی به جا مانده از زبان های پیشین (فرس).

هر گاه واژه ایی از یک گویش به گویشی دیگر منتقل شود، ممکن است دخل و تصرف هایی در آن صورت گیرد که این دخل و تصرف در حوزه ی گویش با معنا باشد. البته زمان تصرف در واژه ها یکسان نیست، گاه ممکن است سال ها بگذرد تا در یک واژه تصرف هایی روی دهد. مانند تصرف های گویشی که در واژه های به جا مانده از روزگاران کهن اتفاق افتاده است و گاه به محض انتقال یک واژه از گویشی به گویشی دیگر دخل و تصرف هایی در آن صورت می گیرد. مانند: (پول) که در گویش لری (پیل) و (تخم) که (تم) و یا اینکه (پل) که (پیل) و نیز (تنور) که (تنیر) تلفظ می شوند. برای مشخص تر شدن موضوع، دخل و تصرف های انجام شده ی واژگان لری را در دو نوع (تصرف گویشی) و (تصرف معنایی بررسی می کنیم.

الف: تصرف گویشی

به این معنی که وقتی واژه های یک گویش وارد گویشی دیگر می شوند. کسانی که آن واژه ها را اقتباس می کنند طبق عادات گفتاری خود در نوع تلفظ آن واژه ها، دخل و تصرف هایی انجام می دهند.

در گویش لری واژه هایی که دچار تصرف گویشی شده اند سه نوع هستند:

الف: واژه های دخیل از زبان های دیگر (عربی، انگلیسی و ایتالیایی)

ب: واژه های مشترک در گویش لری و زبان فارسی

ج: واژه هایی که از فارسی قدیم (پهلوی ، اوستایی ، باستانی) به جا مانده اند.

مثال : از گل ، بتیل ، گیلان ، کچ ، کله شیر ، فیت ، اورسی ، گز

تصرف گویشی در واژه های غیر فارسی مثال :

لری	آوانگار	انگلیسی	فارسی
آساره	<i>āsāra</i>	<i>stār</i>	ستاره
تلیفان	<i>telifan</i>	<i>telephone</i>	تلفن
تور	<i>tur</i>	<i>turro</i>	رمنده ، قهر کرده
تور	<i>tur</i>	<i>tour</i>	برگشتن
بلیز	<i>beliz</i>	<i>belez</i>	شعله آتش

تصرف گویشی در واژه های فارسی کهن مثال:

لری	آوانگار	پهلوی	اوستایی	فارسی
چکش	<i>čakoš</i>	<i>čākōc</i>	<i>cākuš</i>	چکش
زوو	<i>zevvō</i>	<i>huzvān</i>	<i>hīzvā</i>	زبان
سرو	<i>serū</i>	<i>srūr</i>	<i>sror</i>	سرود
نوم	<i>nom</i>	<i>nām</i>	<i>naman</i>	نام

ب) تصرف معنایی:

نوع دیگر از تغییراتی که در هنگام انتقال واژه ها از یک گویش به گویش دیگر رخ می دهد تصرفهایی است که در حوزه ی معنی و مفهوم آن واژه اتفاق می افتد، به این معنی که گاه معنی و مفهوم یک واژه در بین گویندگان یک زبان با زبان دیگر متفاوت است. در گویش لری به واژه هایی برمی خوریم که به همان شکل و تلفظ و ساختمان گویش فارسی (معیار) هستند اما معنی و مفهوم آنها متفاوت است.

مثال:

لری	آوانگار	معنی در گویش لری	فارسی
دسگیر	<i>dasgir</i>	آگاه کردن	گرفتن کسی
جا	<i>jā</i>	رختخواب،	مکان محل
سختی	<i>saxti</i>	مکان	دشوار بودن کار
حاجت	<i>hajat</i>	سفارش	یا عملی
مال	<i>mal</i>	ظرف (وسیله	مراد مطلب
سم	<i>zīrra</i>	نیاز)	دارایی، سرمایه
زیره		خانه	سم ، زهر
		ترس	نوعی گیاه و

داروی محلی	فریاد و ضجه		
------------	-------------	--	--

تلفظ برخی از واژه های لری در بین مردم طوایف مختلف متفاوت است. اینگونه واژه ها با اندک تفاوت و گاه با تفاوت زیاد در محله های مختلف، حتی گاه در خانواده های یک محله تلفظ می گردد. مثلا لری زبانانی که در اندیمشک و دزفول قرار دارند به یک گویش صحبت می کنند و لری زبانانی که نزدیک دورود یا بروجرد هستند به گویش دیگری صحبت می کنند. مثال:

لری	آوانگار	گویش لری	گویش لری	فارسی
		یک منطقه	منطقه دیگر	
بیبه	<i>biya</i>	بیده	ویده	بودن
هنه	<i>hana</i>	ونه	خونده	خواندن

اینگونه تفاوتها را در تلفظها میتوان گونه های گویش لری نامید .

تحول در گویش لری:

امروزه به سبب گسترش مراکز آموزشی و همچنین روابط مردم این استان با مردم نواحی دیگر کشور، گویش این استان دچار تغییراتی شده است و بسیاری از مردم از واژه های قدیم لری کمتر استفاده می کنند مثلا به جای واژه قدیمی «لیر» از ساختمان استفاده می کنند یا به جای واژه «تیه» چشم به کار می برند. حتی برخی از نوجوانان و جوانان امروز به کلی از واژه ها و اصطلاحات اجداد خود بی خبرند و این امر به دلیل صحبت کردن به زبان رسمی، هم در مدرسیه و هم در خانه

می باشد، که بسیاری از کودکان و نوجوانان را از گویش آبا و اجداد خود دور ساخته است. علت این است که بسیاری از خانواده ها از ترس اینکه فرزندانشان از زبان فارسی دور بمانند و زبان فارسی را درست یاد نگیرند از بدو تولد با آنان به زبان فارسی گفت و گو می کنند حتی پدر و مادر در برابر فرزندان به گویش لری صحبت نمی کنند این امر موجب می شود که گاهی کودکان لری را در خارج از خانه و در میان کودکان دیگر یا بزرگترها به طور نادرستی بیاموزند.

در مقابل خانواده هایی وجود دارند که تنها به لهجه محلی گفت و گو می کنند. فرزندان این گونه خانواده ها نیز در خارج از منزل نمی توانند به درستی فارسی صحبت کنند یا در صحبت دچار مشکل می شوند و بسیار دیده می شود که اینگونه افراد در کلاس درس با معلم خود نیز به لهجه محلی گفت و گو می نمایند. حال آنکه برخی خانواده ها کودکان خود را از آغاز تولد هم با لهجه محلی و هم با زبان فارسی به طور صحیح آشنا می کنند در آینده نیز برای ایشان مشکل پیش نخواهد آمد. البته ناگفته نماند که حفظ اصالت، کاری بسیار شایسته و پسندیده است اما باید توجه داشت که ما در کشوری پهناور و با گویشهای فراوان و گوناگون زندگی می کنیم اگر همه مردم ایران بخواهند در همه جا و با همه کس به گویش مخصوص خود صحبت کنند در ارتباطهای گفتاری دچار مشکل خواهند شد.

نتیجه گیری :

شبهاتهای فراوان زبان فارسی و گویش لری از یک سو و همانندی برخی از واژه های کردی و لری از سوی دیگر باعث شده است که بعضی از محققین داخلی و خارجی از لری به عنوان لهجه ای از

فارسی یا کردی نام ببرند. نکته قابل توجه اینکه با از بین رفتن بخش عظیمی از متون پهلوی از فروپاشی دولت ساسانی و تحولات سیاسی اجتماعی عمیق ناشی از آن و بعدها نابودی آثار فرهنگی بر اثر یورش های مهاجمان ترک و مغول باعث شده است که به علت نبودن اسناد و مدارک کافی قسمت مهمی از تاریخ گذشته این سرزمین همچنان ناشناخته بماند به نحوی که امروز اطلاعات تاریخی و زبان شناسی در مورد اقوام لر، کرد، بلوچ، گیلکی و بسیار اندک است حتی در مورد پیشینه زبان فارسی که قرنها زبان رسمی ایرانیان بوده ابهاماتی وجود دارد. همچنانکه در تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری آمده است:

چند نفر از مورخان اسلامی از سه زبان فارسی، دری و پهلوی یاد کرده اند و جمعی از پژوهشگران معاصر به دلایلی وجود سه زبان نامبرده را به طور همزمان رد می کنند و واژه دری را صفت زبان فارسی دانسته اند و فارسی را تحول یافته زبان پهلوی جنوبی می دانند. در مقابل این نظر، نظر دیگری در مقدمه برهان قاطع آمده است:

فارسی زبانی است که قبل از اسلام همزمان با پهلوی وجود داشته است و تحول زبان فارسی از پهلوی رد شده است

گویش لری به دلیل همجواری بودن استان لرستان با مناطقی از خوزستان به ویژه دزفول و اندیمشک از گویش آنها تاثیر و تاثیرپذیرفته است و واژه های مشترک و فراوانی با آن گویش ها دارد چنانچه یک فرد لر به راحتی می تواند با یک فرد دزفولی ارتباط زبانی برقرار می کند بدون اینکه مشکل چندانی بین آنها به وجود آید

منابع

- ۱- امان الهی بهاروند ، س، ۱۳۷۰ ، قوم لر ، انتشارات آگاه
- ۲- امان الهی بهاروند ، س ، ۱۳۷۰ ، قوم لر ، انتشارات آگاه
- ۳- آصفی ، آ ، نگاهی به ادب پارسی ، چاپخانه مروی تهران
- ۴- اذکایی ، پ ، ۱۳۷۵ ، بابا طاهر نامه ، انتشارات طوس
- ۵- ناتل خانلری ، پ ، ۱۳۷۴ ، تاریخ زبان فارسی ، انتشارات سیمرغ
- ۶- تبریزی ، م.ح.خ ، ۱۳۶۲ ، مقدمه برهان قاطع ، انتشارات امیر کبیر
- ۷- امان الهی بهاروند ، س ، ۱۳۷۰ ، قوم لر ، انتشارات آگاه

